

## شاخصه های عدالت حاکم از منظر فریقین<sup>۱</sup>

### چکیده

از آنجایی که شکوفایی و بالندگی تحسین بر انگیز جامعه اسلامی مرهون عدالت فراگیر زعیم و ولی فقیه می‌باشد، لذا با توجه به اهمیت و جایگاه محوری و اساسی عدالت در مبانی و اصول فقهی، کلامی و فلسفی و بویژه موقعیت آن در نظام سیاسی اسلام و فقه سیاسی و بازتاب فوق العاده مهم و غیر قابل انکار شاخصه های عدالت حاکم در این زمینه، پژوهش حاضر در مقام پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق - «شاخصه های عدالت حاکم از منظر فریقین چیست» - تدوین گردیده است. در این راستا نگارنده پس از بیان مختصر واژگان کلیدی، و تبیین منزلت بحث مورد نظر در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت و تمایز محوری آن که قابل تامل و بررسی می‌باشد، به اهمّ این ویژگی‌ها اشاره نموده، که بسیاری از عرصه‌ها را مانند شور با نخبگان، عدم خودرایی و استبداد در گزینش آراء خویش، ظرفیت قبول انتقاد، نحوه برخورد مناسب با شهروندان، رعایت امانت و تامین منافع ملی و صیانت از مصالح جهان اسلام و غیره را در بر می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** عدالت، حاکم، فریقین، فقه، فقه سیاسی.

---

<sup>۱</sup>. علی علمی؛ دکتری فقه سیاسی گرایش فقه روابط بین الملل

## مقدمه

با نگرش و تاملی در متون مقدّسی از جمله قرآن کریم، تورات و انجیل و با توجه به سیر تحولات و رخداد‌های متفاوت جامعه بشری - از خلقت آدم تا به امروز - این تلقّی تقویّت می‌گردد و مبدّل به یقین می‌شود، که یکی از آرمانهای اساسی انبیاء الهی در راستای هدایت و اصلاح نفوس و مبارزه با شرک و دغدغهی مورد توجّه حکمرانان و مدیران جوامع بشری - اعم از دینی یا غیر دینی<sup>۲</sup>، سنتی یا مدرن، مردم سالار یا دیکتاتور، آنارشیست و غیره - تحقق و بسط عدالت (در تمام سطوح و ابعاد آن مانند عدالت قضایی، عدالت اجتماعی، عدالت اداری، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت نظامی، عدالت فرهنگی و غیره) می‌باشد. تا آنجایی که محور استقامت و استواری نظام آفرینش را تشکیل داده - چنانکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «بالعدل قامت السماوات و الارض»<sup>۳</sup> - و انسجام ناشی از آن در بستر طبیعت قابل مشاهده است<sup>۴</sup>. و گواهی تاریخ، شاهدی است بر اینکه هیچ رهیافت و مکانیسمی در جهت ارتقاء سطح رفاه، تقویّت ساز و کارها، ارائه راهبرد مناسب و منسجم برای مدیریت کارآمد و سعادت انسانها، کاربردی‌تر از مقوله عدالت و توسعه‌ی قلمرو دادگری نیست. به همین لحاظ در ساحت علوم انسانی، علم سیاست و بویژه در اندیشه سیاسی، بحث عدالت و قسط، از اهمیت و جایگاه

---

<sup>۲</sup>. به عنوان نمونه حکومت کمونیستی شوروی، یکی از اهداف و آرمان‌های خویش را عدالت اقتصادی و جامعه‌ای بدون طبقه با محوریت مبارزه با سرمایه داری جامعه غربی معرفی می‌کرد. و در این خصوص، از مکانیسم‌های زیادی بهره می‌برد و هزینه‌های زیادی را متحمل گردید.

<sup>۳</sup>. به نقل از سید علی اکبر قرشی در قاموس القرآن، ج ۴ ص ۳۰۱ و عباسعلی عمید زنجانی در فقه سیاسی ج ۱ ص ۲۰۵ و همچنین فیض کاشانی در تفسیر صافی ج ۵ ص ۱۰۷.

<sup>۴</sup>. مضمون آیه شریفه بر این امر رهنمون می‌شود « رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ». (سوره مبارکه طه، آیه ۵۰) و این هدایت و گام برداشتن در مسیر اصلاح و تربیت، نیز بر اساس قاعده عدالت صورت پذیرفته است. لذا هدایت و سعادت هر گز از مقوله عدالت و دادگری انفکاک و جدایی ندارد. و ملازمه‌ای بسیار قوی بین این دو موضوع، برقرار می‌باشد.

ویژه‌ای برخوردار است. اما در این بین، یکی از کاربست‌های این قاعده (یا اصل) در فقه - و بویژه در فقه سیاسی - عدالت در حوزه حاکمیت می باشد، که نقشی عظیم و درخور توجه را به خودش اختصاص داده است. و سرچشمه استقرار و استمرار هنجارها و فضایل والای جامعه مطلوب دینی، بستر سازی شگرف و قوی جهت تولید امنیت همه جانبه و سد محکمی در برابر ساختارشکنی‌ها، نابسامانیها، انحرافات و ناهنجاریهای اجتماعی و سیاسی، محسوب می‌گردد. و به همین جهت، یکی از مؤلفه‌های ضروری که مقاله حاضر در صدد تبیین و بررسی آن می باشد، و از مسایل بنیادی فقه در عرصه سیاست نیز به شمار می‌رود؛ شاخصه‌های عدالت حاکم و رهبر می باشد. این نحوه از رویکرد در فقه، گستره و بازتاب وسیعی از بحث را در بر گرفته است. در این خصوص، سوال اصلی پژوهش حاضر، در راستای پرداختن به موضوع مربوطه شکل می‌گیرد، که «شاخصه‌های عدالت حاکم از منظر فریقین چیست». در مقام پاسخگویی به نیازهای امروزی آنهم با تلقی دینی و با محوریت موضوع عدالت در اندیشه سیاسی و بویژه با نگرش فقه سیاسی، کتب و مقالات زیادی توسط نویسندگان مسلمان یا غیرمسلمان، تدوین یافته است. اما با توجه به پرسش اصلی تحقیق و دیدگاه و دغدغه نگارنده نسبت به آثار و نشانه‌های عدالت مدیر و زعیم جامعه اسلامی، کار قابل توجه و چشمگیری در این زمینه صورت نگرفته است.

### ۱. مفهوم شناسی

در این رهاورد، تبیین و بررسی دقیق موضوع پژوهشی حاضر و روال و سیر منطقی بحث، در گرو شناسایی مفاهیم مربوطه می‌باشد. با این وصف و با لحاظ قواعد تحقیقی، هدف از تحلیل، توصیف و تدوین مساله مورد نظر، حاصل می‌گردد. و متن مربوطه، دارای ابهام و اجمال نخواهد بود. لذا برای نیل به این هدف، توضیح مفاهیم و واژگان ضروری مورد اشاره، آورده می‌شود:

۱/۱. عدالت

یکی از واژگان محوری که به عنوان شاخص تحقیق در نظر گرفته شده است، عدالت می‌باشد؛ که در تعریف آن، به آوردن چند مورد اکتفا می‌گردد:

۱/۱/۱. **معنای لغوی:** «عدل» ضد جور است و عدل هر چیزی است که بطور مستقیم در نفس قوام پیدا کرده است و به معنای مساوات، استقامت، تسویه و حکم به حق بکار رفته است (لسان العرب و تاج العروس) در برقراری مساوات و استقامت ورزیدن، این نکته را نباید از نظر دور داشت که این دو امر باید بر معیار، ملاک و میزان حق و بر مدار واقعیت مسلم منطقی و محکمه پسند تحقق پذیرد و الا معنای عدالت به درستی و دقت فهم نگردیده است.

همچنین عدالت یعنی میل و کشش پیدا کرد یا استقامت ورزید و عدل یعنی انصاف داشتن و معنای انصاف این است که به شخص حقی را که سزاوارش است، داده شود و آنچه را که نباید داشته باشد؛ از او باز پس گرفته شود. (مصطفی و حسن الزیات، ۱۴۲۶: ۵۸۸) در این معنی، نکته محوری برای دریافت صحیح از معنی کلمه و واژه قسط، در نظر گرفتن و رعایت تناسب و شایستگی در جایگاههای مختلف است، به گونه‌ای که این مساله رنگ، بو و طراوت خاصی به عدالت داده و این خصیصه و ویژگی به حقیقت در مجری و معبر شایسته خود، قرار می‌گیرد. و منشاء اثر بودن خود را نمایان می‌گرداند. آنگاه عدالت با لحاظ این امر، عدالتی واقعی، مطلوب و حقیقی است نه عدالتی ظاهری، گذرا و تو خالی.

#### ۱/۱/۲. **معنای اصطلاحی**

۱/۱/۲/۱. **نزد اهل سنت:** در این خصوص، به جهت اختصار این پژوهش، به آوردن دو مورد و معنی اکتفا می‌گردد؛ ۱. ابن حجر می‌گوید: عادل به کسی اطلاق می‌شود که دارای ملکه‌ای است که او را بر ملازمت بر تقوا و مروّت و می‌دارد و تقوی عبارت است از اجتناب از اعمال ناپسند مانند شرک، فسق یا بدعت (فتح الباری، ۲۵۱: ج ۵) آیا فقط

کسی که این خصیصه را دارا باشد و در او بصورت صفت پابرجا در نفسش جای گرفته باشد، فقط با این وصف به چنین شخصی، عادل اطلاق می‌گردد؟ یا اینکه با تمرین و ممارست در امری، ملکه در روح و جان انسان رسوخ می‌نماید؟

۲. همچنین ابوبکر باقلانی آورده است: عدالت مطلوب در صفت شاهد و مخبر، عدالتی است که مربوط به استقامت در دین و سلامت مذهب و سلامت از فسق و آنچه جاری مجرای آن است، می‌شود. (رضوانی، ۱۳۸۷: ۲۰) آیا عدالت مطلوب و مورد قبول شرع، عرف و عقلاء، فقط منحصر و محدود به اوصاف شاهد و خبر دهنده از واقعه و پیشامدی معمولی یا ناگوار و جگرخراش می‌گردد؟ و مشمول بقیه اشخاص و شهروندان جامعه نمی‌شود؟ آیا این شرطی، که محور و رکن اعطای پست و سمت‌های حساس می‌باشد، در بقیه افراد مورد نظر نمی‌باشد؟ بویژه در حاکم و زعیم جامعه اسلامی که امین جان، ناموس و مال مردم می‌باشد، نباید مورد توجه شریعت، فقه، فقهاء، عالمان دینی و نخبگان جامعه باشد؟ دوم اینکه، منظور و مفهوم جاری مجری عدالت چیست و در صدد برطرف نمودن چه ابهامی و مشکلی می‌باشد؟ در ضمن ربط منطقی بین سه مقوله استقامت در دین، سلامت مذهب و سلامت و مصونیت از فسق چگونه و به چه نحوی لحاظ می‌گردد؟ لذا در منطق به این گونه از بیان و توضیح واژه، در اصطلاح می‌گویند: معرفّ اخفی از معرفّ است.

۱/۱/۲/۲. نحوه تلقی این معنی در مکتب تشیع: در این جریان و به جهت شفاف سازی مساله مورد بحث، به نقل سه معنای اصطلاحی از علماء شیعه بسنده و قناعت می‌شود.

۱. مرحوم سید محمد کاظم یزدی-صاحب عروه الوثقی- می‌گوید: «عدالت» ملکه اجتناب از کبائر و اصرار بر صغایر و منافیات مروّت است که دارندگان این اوصاف، بی مبالات به دین خویش اند. حسن ظاهری که کاشف ظنی از این ملکه است،

کفایت می کند (طباطبائی یزدی، ۵۶۹). سوالی که در اینجا قابل طرح است، این می باشد که این حسن ظاهری که کشف ظنی نه یقینی از ملکه عدالت می نماید، از چه طرفی حاصل می گردد؟ و آیا حسن ظاهری در این موضوع کفایت می کند؟ لذا این تعریف مانع نمی باشد.

۲. به نظر مامقانی، «عدالت» ملکه‌ای است که انسان را بر انجام واجبات و ترک محرمات بر می انگیزد و فاسق کسی است که گناهی را انجام دهد یا به این اعتقاد که گناه است، چون اگر با اعتقاد به اباحه چیزی، آن را انجام دهد، از عدالت خارج نمی‌شود (علیا نسب، ۱۳۸۵: ۴۱). این بیان جامع افراد نمی باشد.

۳. همچنین مرحوم علامه طباطبائی این گونه تعریف کرده است: «العدالة هي وضعه في موضعه الذي ينبغي له» (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۳۷۱) یعنی عدالت عبارت است از هر چیزی که در مکان خودش شایستگی دارد، نهاده شود. با توجه به دو تعریف قبلی و کمی تأمل، به نظر می رسد که این تعریف هم جامع افراد است و هم مانع اغیار.

#### ۱/۲. حاکم

حاکم از «حکم» اخذ شده است و جمع آن حکام می شود. در المورد آمده است «من یرید شوون البلد» حاکم کسی است که مناصب دولتی، شهر و سرزمین را اداره می کند و معانی قاضی، فرمانده و سلطه را هم ذکر کرده اند. (البعبکی، ۱۳۸۵: ۴۱۴) و همچنین در المعجم الوسیط بیان شده است که «الحاکم: من نصب للحکم بین الناس» (مصطفی و عبدالقادر، ۱۴۲۶: ۱۹۰) حاکم کسی است که برای اجرا کردن حکمی در بین مردم منصوب شده باشد.

تحقق و اجرای هر گونه حکم و فرمانی، گاهی در سطح و زمینه ای بسیار وسیع و کلان صورت می پذیرد (مانند تدبیر ولی فقیه در مساله ای حیاتی و کلیدی مربوط به سیاست خارجی دولت اسلامی) که بازتاب عظیم و جهانی دارد و پاره ای از اوقات، این مساله

درمکان، زمان و محدوده ای محصور و مقید صورت می پذیرد (از قبیل رای قاضی، بازپرس و حاکم دادگستری در پرونده ای قضایی یا کیفری خاص و جزئی) که انعکاسی موقتی و گذرا را به خود اختصاص می دهد. لذا این معنی از واژه حاکم، شامل هر دو حوزه مورد اشاره می گردد.

## ۲. جایگاه عدالت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت

درحقیقت و واقع، مفهوم فقهی عدالت با اساسی ترین مفاهیم سیاسی مانند موضوع عزل و نصب حکام و امراء، امامت، زعامت و ریاست استیلاء و تغلب، ثبات و امنیت و ضرورت آن، به اشکال مختلف موثر و درگیر بوده است. لذا تبیین این موضوع در دو دیدگاه، بررسی می گردد.

۲/۱. نظریه اهل سنت: در بین اهل سنت در مورد عادل بودن یا نبودن قاضی اختلاف نظر وجود دارد؛ مذهب مالکی و شافعی و حنبلی و برخی از حنفی ها، عدالت را برای متولی قضا و تصدی فتوا و جهت شاهد، لازم می دانند و ولایت دادن این امور را به فاسق صحیح نمی دانند؛ اما مذهب حنفیه به عنوان مدون ترین مذهب اهل سنت، بر خلاف این مشی حرکت کرده است. به اعتقاد حنفیه عدالت شرط صحت تصدی و عهده داری منصب قضاوت نیست و فاسق نیز شایسته جایگاه قضاوت است و می توان در قضاوت از او پیروی و تقلید کرد و حکمش نافذ است؛ تا مادامی که در قضاوتش از حدود شرع تجاوز نکرده باشد؛ زیرا عدالت در نزد حنفی ها فقط شرط کمال قاضی است (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸۸). با توجه به فتوای حنفی ها مبنی بر معتبر دانستن قضاوت و صدور رای توسط فاسق و نافذ بودن آن، آیا کسی که اهل گناه و فسق و فجور است، از حدود شرع تجاوز نکرده است و قانون الهی را زیر پا نگذاشته است.

اما بطور کلی می توان بیان و عنوان نمود که عدالت و دادگری حاکم، زعیم جامعه و از جمله آن امام جمعه و جماعت - چنانکه در بعضی موارد مشاهده شده است که اشخاصی

بعد از قمار در قمار خانه ها وضو گرفته و امام جماعت مسجدی را هم عهده دار شده اند - در مبانی فقهی و کلامی اهل سنت، چندان جایگاه رفیع و قابل توجهی نداشته تا حدی که بعضی از مذاهب مربوطه قائل هستند که حاکم می تواند در خفاء گناه کبیره انجام دهد پس بطریق اولی در ملاء عام در ارتکاب صغیره محدودیتی ندارد و به عدالتش و وجهه اخلاقیش، خدشه ای وارد نمی گردد. و از این نیز فراتر آنکه، مرتکب کبیره در انظار مردم تالی فاسدی را بدنبال نخواهد داشت. و در بیشتر خط مشی ها، موضوعها، موقعیتهای و سیاست روزمره و هم چنین در باب تعامل با حاکمان از راه مماشات و پذیرش سلطه و سیطره هر شخصی، امور خویش را از پیش می بردند، اکتفا نموده و سامان می بخشند؛ هر چند فردی خون ریز، جانی، بوالهوس و فاسقی امور را به دست بگیرد. تنها همین مقدار که با قهر و غلبه روی کار بیاید و زمام امور حکومت را بدست بگیرد و تسلط یابد، مورد قبول و باور ایشان بوده و چنین شخصی را واجب الاطاعه می دانند. و قیام، اعتراض، شورش و انقلاب بر علیه چنین فردی را روا و صحیح و جایز نمی دانند. آیا این امر با این مبنی و توجیه، باعث گسترش و شیوع قانونی ظلم و استکبار در سطح جامعه نمی گردد. و با این جریان و روال در جوامع اهل سنت، در برخورد با حاکم و هر فردی که با ظلم و جنایت و کودتا در پوشش قدرت خودکامه خویش، زمامداری را بر عهده بگیرد و مردم هیچ گونه نقشی نداشته باشند؛ جامعه رفته رفته دچار سستی، خمودگی و دل مردگی می گردد. و از آن طرف، سبب و عاملی می شود که تیم سیاستمدار و خانواده حاکم، در جریان آزادی سیاسی و بسط قدرت حکومتی، دچار لجام گسیختگی و افسار دریدگی و آلوده شدن در امور اخلاقی و اقتصادی و دست اندازی ظالمانه به املاک و دارایی های مادی و معنوی شهروندان می شوند. لذا با دقت در متون تاریخی، می توان بدست آورد، که بیشترین شورش ها و قیام های به رهبری علماء یا انقلاب های خود جوش مردمی بر علیه ظلم و استکبار، مربوط به شیعیان بوده و کمتر نشانه و ردّ



پای اهل سنت در این موارد و جریانات که بیم خوف از جان، عرض، مال و ناموس می رود، مشاهده می گردد.

۲/۲. نظریه تشیع: در جهت بررسی جایگاه عدالت در فقه شیعه، یکی از مهمترین عواملی که شیعیان را به ایستادگی در برابر حکام جبار فرا می خواند، فهم آنان از عدالت و رعایت کردن جایگاه وزین آن است. به این خاطر آرمان عدالت خواهی شیعیان بر خلاف اهل سنت، در هاویه واقع گرایی منحط نیفتاد. کلام و فقه شیعی بر خلاف کلام اشعری و فقه حکومتی اهل سنت، به اصل عدالت به نحو شایسته و لازم اعتناء و اعتماد کرد. به همین دلیل در تاریخ شیعه، جنبش های عدالت خواهانه بسیاری را می توان مشاهده کرد. شیعه با اعتقاد به عصمت و ضرورت عدالت خلفاء و نواب ایشان، هیچ گاه از این اصل مهم عقب نشست و تا عصر غیبت برنامه ریزی قدرت های غیر منصوص و غیر معصوم، تاکید کرد. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹۸)

یکی از اساسی ترین موازین، اصول، مفاهیم و مبانی بکار رفته در فقه سیاسی شیعه، کلام و معارف ناب قرآنی و وحیانی و احادیث حضرات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) که تاثیر، انعکاس و بازتاب آن در بسیاری از عرصه ها و حوزه های دینی و مکتبی ساری و جاری می باشد، موضوع محوری، کلیدی، غیر قابل اجتناب و تاثیر گذار عدالت و دادگری است، که در بسیاری از مناصب و جایگاهها قابل طرح بوده و مورد توجه و حساسیت ویژه فقهاء و متکلمین و عقلاء شیعه می باشد. برخی از این موقعیت ها عبارتند از: عدالت زعیم و حاکم جامعه اسلامی، دادگری قاضی، عدالت در امام جمعه و جماعت، عدالت در اجرای احکام و وضع قانون، عدالت در اجتماع، ارگان ها و دوایر دولتی و نوع برخورد و تعامل با ارباب رجوع، در حیطه خانواده و در نوع برخورد با همسران و غیره.

بر خلاف مبنی و ضابطه ای که اهل سنت در تلقی، برداشت و فهمی که از معنای عدالت دارند، در شیعه کاملاً این موضوع متفاوت بوده، به گونه ای که عدالت یعنی عدم ارتکاب

کبیره و اصرار نداشتن بر صغیره، چه در خفاء یا در ملاء عام، که ممکن است بصورت ملکه و حالت ثابت نفسانی در بیاید. همچنین در بحث عدالت یکی از اموری که باید لحاظ گردد و نباید مورد غفلت واقع شود و عدم تقید و رعایت آن، موجب سقوط عدالت می گردد؛ این است که شخص عادل، نباید خلاف مروّت و جوانمردی<sup>۵</sup> عمل نماید. لذا در بحث و موضوع حکومت، ولایت فقیه و زعامت و رهبری جامعه اسلامی، کسی مجوز برافراشتن علم قیام و انقلاب را دارد که از مشروعیتی قابل قبول برخوردار بوده، خود نیز فردی صالح و با تقوی باشد، تبعیت از هوی و هوس ننماید.

در این راستا فقهاء در اصرار بر شرط عدالت، به ذکر احادیث و فتواهایی پرداختند که خروج بر امام عادل را جایز نمی شمارند و حتی استخفاف به امام عادل و ترک یاری او را در برابر دشمنان حرام و غیبت و دشنام بر چنین امامی را نا صواب و ناروا می دانستند. فقهاء با اعمال چنین سیاستی عظیم و شگرف، هم تبعیت از مبانی موضوعه و اصول گرای خود را در اعتنای کامل به شرط عدالت نشان دادند و هم بر جبّاریت حکام مهر تایید زدند و هم اندکی از فشار سنی مذهببان که شیعیان را به «فوضویت» و هرج و مرج و شورش خواهی متهم می کردند، رها شده و خلاصی می یافتند.

### ۳. شاخصه‌های عدالت حاکم

اکثر ویژگی‌هایی که در موضوع شناسایی و تجسّم عینی عدالت حاکم و زعیم جامعه اسلامی بیان می گردد، از نقطه نظر شیعه قابل طرح بوده و از اهمیت چندانی در میان اهل سنت برخوردار نیست. علاوه بر اینکه دادگری حاکمیت، زمامدار و رهبری جامعه اسلامی آثار، پیامدها و نشانه‌هایی دارد، که در پی خواهد آمد؛ اما یکی از نمودهای بارز و برجسته برخوردارگی امام جامعه از عدالت و قسط در صحنه اجتماع نیز، تأثیرات خارق

---

<sup>۵</sup>. برای اینکه تشخیص داده شود که امری خلاف جوانمردی و مروّت است یا خیر، باید به عرف صحیح (برخاسته از

ارزشهای دینی و مذهبی) و عقل پسند - آنهم عقل سلیم - هر جامعه و منطقه ای مراجعه نمود.

العاده‌ای است که در بسیاری از عرصه‌ها و بسترها از خود بجای می‌گذارد و نقش اساسی را در تحولات و در برخورد با چالش‌های پیش رو ایفاء می‌نماید؛ از جمله آنها می‌توان به دوام، استواری و اقتدار حکومت، افزایش شکوه و ابهت جامعه دینی<sup>۶</sup>، اشتیاق مردم به حاکمان و اطاعت از آنان، رشد، تقویت و تثبیت کمالات روحی و اخلاقی اقشار مختلف شهروندان، ارتقاء سطح امنیت، بی‌نیازی مردم از دست اندازی به حقوق دیگران، کاهش آمار جرم و جنایت و فساد و فحشاء، و گرایش به دین و معنویت‌گرایی اقشار مختلف مردم اشاره نمود. شاخصه‌های مورد بحث در عدالت حاکم، عبارتند از:

### ۳/۱. مشورت با نخبگان

یکی از عوامل برجسته موفقیت همه جانبه که تأثیرات چشمگیری در بسیاری از عرصه‌ها از خود بجای می‌گذارد و سد و مانعی بسیار قوی در برخورد با سرخوردگی‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌ها به شمار می‌آید، مشورت و همفکری با دیگران و بهره‌مندی از تجربه و دانش ایشان می‌باشد. جایگاه بی‌بدیل و والای این مهم، به گونه‌ای است که یکی از سوره‌های قرآن کریم - سوره مبارکه شوری - به همین نام مزین می‌باشد. و در راستای اعتلای کلمه الله، انسجام اجتماع مسلمین و تقویت روحیه خود باوری، یکی از سنت‌های بسیار پسندیده و قابل توجه رسول گرامی اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) تبادل افکار، مشاوره و رایزنی با اصحاب و یارانشان در صحنه‌های مختلف و مناسبت‌های گوناگون بود. با وجود مکانیسم‌های مدیریت کلان اجتماعی در اسلام، این مشورت می‌تواند در عرصه‌های متفاوتی صورت بگیرد - آنها هم در مواردی که حکم ثابت شرعی و فقهی در آن خصوص

<sup>۶</sup> . مضمون دو آیه شریفه قرآن را در اینجا به مناسبت می‌توان متذکر گردید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (سوره مبارکه آل عمران/۱۰۳) - «ولا تنازعواوا تفرقا و تذهب ریحکم». (سوره مبارکه انفال/۴۶) که خداوند در این زمینه تشویق به وحدت، یکپارچگی، همگرایی و همدلی می‌نماید که رمز کامیابی و سعادت ملل مسلمان و در کل همه انسان‌ها می‌باشد و در مقابل و به عنوان نقطه آسیب‌پذیر و ضربه‌پذیر مهم که باید به جز از آن پرهیز شود، در آیه کریمه دوم از اختلاف، واگرایی و تششتت بر حذر می‌دارد که زمینه ضعف و سستی و از هم پاشیدگی و از بین رفتن شوکت و ابهت را فراهم می‌کند.

وجود نداشته باشد<sup>۷</sup> - که موجب رونق و شکوفایی همه جانبه و بالندگی افتخار آمیز جوامع مذهبی می‌گردد. و لذا در این راستا می‌توان به این موضوعات اشاره نمود: فرهنگی، علمی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، صنعتی و غیره. نظام شورا و مشورت راهکاری مناسب جهت تبادل افکار و همکاریهای دوسویه شفاف میان دولتمردان و شهروندان در جهت غلبه بر انحرافات فکری و آشفته‌گی‌های ناشی از عدم اطلاع مناسب از رویدادها و پیش آمدها می‌باشد. در این جهت، علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۵) هر کس از نظرهای مختلف و آراء گوناگون استقبال کند، به زوایا و نقاط لغزش پی می‌برد. باید خاطر نشان کرد که نقش بی‌بدیل نخبگان و فرهیختگان جامعه در این جریان، بسیار حائز اهمیت می‌باشد و نقطه اتکای مناسب و بازوان توانایی در صحنه اجرایی و مدیریتی محسوب می‌گردند. اما هنگامی سگان جامعه اسلامی در گرداب حوادث و پرتگاه‌هایی هولناک، به سرمنزل مقصود خواهد رسید؛ که حاکم و مدیر جامعه از مشاورانی ورزیده و توانمند بهره‌بردار و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نوزد. لذا بازتابهای وسیع این امر حیاتی، تنها به داخل مرزهای سرزمین اسلامی محدود و محصور نمی‌گردد؛ بلکه در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی و فراخوانهای اساسی محوری در جهت همسان‌سازی اهداف راهبردی جهان اسلام انعکاس‌های مهمی را به دنبال داشته و غیر قابل انکار می‌باشد. و می‌توان بهترین بهره‌برداری را در جهت اقناع و پذیرش افکار عمومی بصورت مفید و سازنده، ارائه نمود. استفاده از نخبگان برای مشورت باعث افزایش امید نخبگان برای حضور در عرصه‌های علمی و پژوهشی خواهد

---

<sup>۷</sup>. لذا در این راستا و موضوع، خداوند در آیه شریفه ۳۶ از سوره مبارکه احزاب می‌فرماید «ما کان لمومن و لا مومنه اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره من امرهم» هیچ مرد و زن مومنی را در کاری که خدا و رسول او حکم کنند، اختیاری نیست (که رای خلافی اظهار کنند و اجتهاد برای نمایند).

شد.

### ۳/۲. عدم استبداد رأی

اصولا یکی از موانع، چالش‌ها و معضلات موجود و قابل درک در راه شکوفایی و رشد استعدادهای نهفته‌ی خدا دادی در وجود، سرشت و نهاد آدمی، که موجب بروز و ظهور صدمات جبران‌ناپذیر به پیکره انسانی و کالبد جامعه اسلامی می‌گردد، استبداد برای و عدم انتفاع از آراء روشنگرانه و کارگشاه دیگران- مانند بکارگیری نظرات دانشمندان، فرهیختگان و نخبگان در رشته‌های مختلف راهبردی و کاربردی مورد نظر و ضروری- در جهت نیل به سر منزل مقصود می‌باشد. خود کامگی و برخوردار بودن از روحیه دیکتاتورمآبانه و عدم کاربرد از اصل مهم مشاوره و رایزنی، بروز خسارت‌های فراوانی را باعث می‌گردد که می‌توان به بعضی از موارد آن بطور گذرا و اجمالی اشاره نمود: کم‌رنگ گردیدن و بی فروغ شدن تقدس و حرمت حاکمیت دینی و الهی، بدبینی شهروندان نسبت به عدالت حاکم در راستای عدم اجرا و گسترش قسط و دادگری در سطوح بنیادین و محوری جامعه، شیوع و رواج فرهنگ سرکوب و خشونت در برابر اعتراض‌ها، تجمعات و درخواستهای منطقی افراد جامعه نسبت به احقاق حقوقشان، سلب امنیت و آرامش از اتباع جامعه مسلمان، نادیده گرفته شدن هویت ملی و مذهبی و مکتبی افراد، تخصیص نامناسب درآمدها و در نتیجه صرف و هزینه آن در غیر موارد ضروری و حیاتی، فراگیری جوّ ترس و وحشت در صورت اعتراض- حتی به گونه‌ای مسالمت آمیز و آرام و به دور از هیاهو و جنجالهای تبلیغاتی گروه‌های معاند و مساله دار و معلوم الحال- به حاکمیت، مدیریت جامعه با مکانیسم‌های ناکارآمد و شاخصه‌های معیوب و ضعیف، از بین رفتن مشروعیت دولت و رهبر آن، بروز سوء استفاده‌های کلان مالی و سیاسی در بدنه قدرت سیاسی موجود، تزلزل در ارکان دولتی و تضعیف روحیه خودباوری و اعتماد بنفس و استقلال فکری و هویت ملی- مذهبی، گسترش روابط سیاسی

ناکارآمد ضعیف و شکننده، سردی ارتباطات مابین حوزویان و دانشگاهیان(اهل فکر و قلم)، فاصله و چالش فکری و آرمانی بین افق ذهنی قدرت سیاسی و حوزه های علمیّه و مدارس دینی، فرار مغزها و نخبگان علمی، گسترش روحیه ناامیدی و ضعف در تصمیم گیری در ارکان بالای حکومتی و مردمی، اضمحلال استقلال و تمامیت ارضی و شیوع وابستگی خرد کننده و همه جانبه به قدرت های خارجی غارتگر، عدم حمایت و توجه از فعالیتهای خلاق و مبتکرانه ارزشمند بومی و غیره.

اما خوشبختانه و با عنایات خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام) با بروز، تثبیت، شکوفایی و بالندگی قهرمانانه و تحسین برانگیز انقلاب جمهوری اسلامی ایران و با رهبری ها و مدیریت داهیانہ حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) ، روز بروز مشروعیت حاکمیت دینی تقویت شده و ما شاهد اقتدار، عزت و شکوه بیش از پیش جمهوری اسلامی در بین همسایگان، سطح منطقه، جهان اسلام و در نظام بین الملل و مجامع جهانی هستیم و می توان اظهار داشت که بدون تردید و گمان، یکی از بسترها و علل این دستاوردهای عظیم شگرف و خیره کننده در عرصه های گوناگون، این است که معظم له از مشاورانی کارکشته، خبیر، فهیم، خردمند و فرهیخته بهره مند می باشند. و لذا بسیاری از آسیب های فوق الذکر، در حاکمیت دولت مردم سالار دینی و مقتدرانه سرافراز ایران اسلامی - که خاری در چشم و استخوانی در گلوی ابرقدرت ها و دولتهای مستکبر استثمارگر خون آشام است و موجب خواب پریشان آنها گردیده و منافع ایشان را در معرض خطر و نابودی قرار داده و هیمنه ایشان را در هم شکسته است- موجود نمی باشد.

فوائد تعامل سازنده و نداشتن استبداد به رای را می توان با آثار زیانبار استبداد به رای شناسایی کرد که عبارتند از:

## سستی اندیشه

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الَّلَجَاجَةُ تَسُدُّ الرَّأْيَ، لَجَاجَتُ وِ خُودِ كَامِغِي، فِ كِر سَلِیْم وِ نَظَر شَایِستِه رَا از انسان سلب می‌کند»<sup>۸</sup>

## خطر لغزش

امام صادق(ع) نیز در حدیثی درباره این که آدم خودرأی در معرض چه خطری است؟ می‌فرماید: آدم خودرأی، بر لبه لغزشگاه ایستاده است.<sup>۹</sup> و همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الِاسْتِبْدَادُ بِرَأْيِكَ يُزِلُّكَ وِ يُهْدِرُكَ فِ الْمَهَاوِی. (برحذر باش!) استبداد و خودرأیی، تو را می‌لغزاند و در پرتگاه‌های سقوط نگوئسارت می‌نماید»<sup>۱۰</sup>.

## خود پسندی و ناشایستگی برای ریاست

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا يُطْمَعَنَّ الْقَلِيلُ التَّجْرِبَةُ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ فِی رِیَاسَةٍ. آدم خودرأی و کم تجربه هیچ وقت نباید امید رسیدن به مقام ریاست و مدیریت را در سر بیوراند»<sup>۱۱</sup>

## هلاکت شخص مستبد

افراد مستبد و خود رای نه تنها به نتایج مثبت نمی‌رسند بلکه باعث لجبازی و کدورت و سوء تفاهم و عدم همدلی و همکاری در خانواده می‌شوند، همانطور که در روایتی امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> علیه السلام می‌فرماید: هر که خود رأیی کند نابود شود و هر که با بزرگان مشورت کند، در خردهایشان شریک گردد.<sup>۱۲</sup> و همچنین آن حضرت

<sup>۸</sup>. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۰.

<sup>۹</sup>. بحار الأنوار: ۷۵ / ۱۰۵ / ۴۱ منتخب میزان الحکمة: ۲۲۸

<sup>۱۰</sup>. فهرست غرر، ص ۳۱.

<sup>۱۱</sup>. خصال، ج ۲، ص ۵۳.

<sup>۱۲</sup>. نهج البلاغه: الحکمة ۱۶۱ منتخب میزان الحکمة: ۲۲۸

می فرمایند: «خودرأی مباش که هر که خودرأی باشد هلاک می گردد»<sup>۱۳</sup>.

### **عدم خوشبختی مستبد**

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «ما شقی عبد قطّ بمشوره و ما سعد باستغناء برأی» هیچ کس هرگز با مشورت بدبخت و با استبداد رأی، خوشبخت نشده است<sup>۱۴</sup>.

### **نشان از ناتوانی عقل و جهل مستبد**

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: خودپسندی و اعجاب نفس، دلیل بر ناتوانی عقل اوست<sup>۱۵</sup>. همچنین امام علی علیه السلام استبداد در رأی و مشورت نگرتن را صفت انسان جاهل می دانند و می فرمایند: تنها جاهل است که شیفته رأی خویش است<sup>۱۶</sup>. زیرا اگر انسان، عقل خویش را به درستی به کار اندازد در برابر کمالاتی که در خود می یابد هزاران مرتبه کمالات دیگر در دیگری می یابد که اجازه نمی دهد تا به خود مغرور شود و خود را بهتر از دیگران بداند.

### **زوال عقل مستبد**

در روایتی حضرت علی علیه السلام می فرماید: العجب یفسدالعقل، خودپسندی، عقل را به فساد می کشاند<sup>۱۷</sup>. زیرا خودپسندی موجب می شود تا شخص عقل را به کار نگیرد و در تکمیل نواقص خود نکوشد و این گونه، خرد به سبب عدم بهره گیری از آن به تباهی کشیده می شود.

استبداد این است که انسان خرد خود را کافی شمارد و از عقل دیگران سود و بهره

---

<sup>۱۳</sup>. غررالحکم، ص ۸۱۱.

<sup>۱۴</sup>. نهج الفصاحه، ص ۶۸۷.

<sup>۱۵</sup>. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۱.

<sup>۱۶</sup>. غررالحکم: ۹۴۷۱ منتخب میزان الحکمه: ۲۲۸

<sup>۱۷</sup>. غررالحکم، ص ۲۶



نبرد. بازتاب عدم مشارکت واقعی در همکاری نکردن با دیگران در سرمایه‌های عقلانی، در رفتارهای زشت و نادرست و غلط، تجلی و ظهور می‌کند. در نتیجه استبداد و خودرأیی است که انسان به هلاکت می‌افتد و در نزد دیگران خوار و ذلیل می‌شود.<sup>۱۸</sup>

## انواع استبداد

شکست‌ها و ناکامی‌ها ناشی از «استبداد به رأی» و «خودمحوری» و «مشورت نکردن با دیگران» در مسائل مهم زندگی است، که این استبداد هم می‌تواند در اموری شخصی انسان باشد هم می‌تواند در امور اجتماعی و حکومتی باشد.

### الف) استبداد در امور شخصی

انسان در همه دوره‌های زندگی اش وقتی با مشکل مواجه می‌شود یا بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، سخت به یاری دیگران، و رأی و نظر آنها نیازمند است. بدون استفاده از تجارب دیگران، پیمودن مسیر زندگی و گذر از گردنه‌های آن دشوار است. که این نوع استبداد را استبداد در امور شخصی و جزئی می‌گویند، که هر شخص باید تا می‌تواند از این نوع استبداد دوری کند و دیگران را نیز از این خصلت زشت برهاند.

### ب) استبداد در امور حکومتی

در مقابل استبداد در امور شخصی استبداد در امور اجتماعی و حکومتی است که خطرش از استبداد اول بیشتر است و شاید یک جامعه و یا یک ملت را به هلاکت و نابودی بکشانند، متأسفانه این آفت اجتماعی امروز گروهی از ما را آلوده کرده؛ از انتخاب وزیر، وکیل، شاگرد و استاد گرفته تا توزیع مایحتاج عمومی و خدمات اداری و پزشکی و آموزشی و سپردن امانت حکومت و امامت و بلکه تمامی امتیازات دینی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی، در همه جا نخستین ملاک و تنها معیار گزینش

<sup>۱۸</sup>. غررالحکم، ص ۶۱۸.

و گرایش، منافع و مصالح شخصی، سلايق، علايق و قالب‌هایی است که یک شخص با اطلاعات محدود تعیین می‌کند.

استبداد حکومتی: این واژه در اصطلاح سیاسی به سلطه فرد یا گروهی در یک نظام و حکومت و تصرف در حقوق مردم، بدون لحاظ قانون و نظر زيردستان<sup>۱۹</sup> و بدون ترس از بازخواست است که نتیجه مشورت نکردن با دیگران و عدم نظر خواهی از عقل جمعی است که در مرحله عمل منجر به انجام نظر شخص مستبد بدون در نظر گرفتن مصالح و نظر افراد دیگر است پیامد آن رسیدن ضرر و آسیب به خود و توده مردم به جهت اعمال قدرت غیر مسئولانه و نامشروع است. استبداد همچنین با احکام الهی در تعارض و حرام می‌باشد؛ زیرا خودکامگی و استبداد، در انحصار قرار دادن حقوق دیگران اعم از حقوق معنوی، مالی و ... و تصرف در حق و ملک مردم بدون رضایت آنان است.

به حکم عقل و شرع، هیچکس، سلطه‌ای بر دیگری ندارد و تصرف در شئون دیگران نیازمند دلیل است. و بر اساس نصوص صریح آیات قرآن کریم و سنت نبوی و سیره ائمه معصومین علیهم السلام هر آنچه که مربوط به امور ملت باشد، هم در مقام تأسیس و هم اداره آن، نیازمند به جلب رضایت آنان است و هر گونه استبداد در کسب قدرت و تدبیر امور مردم حتی در قالب دین، مردود است. از این رو در تأسیس حکومت و اداره آن و ایجاد و اداره مؤسساتی که با اموال ملت ساخته و اداره می‌شوند و همچنین مسوولیت‌هایی چون رهبری، ریاست جمهوری، وزارت، نمایندگی مجلس، استانداری، فرمانداری و ... هیچ فردی حق دخالت بدون جلب رضایت و رأی مردم را ندارد؛ زیرا تمامی این تأسیسات و مسوولیت‌ها به منزله دخالت در سرنوشت مردم و هزینه از جیب آنان است و کسی حق ندارد بدون اجازه مردم، در

---

<sup>۱۹</sup>. موسوعه السیاسه، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷. فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲.

سرنوشت آنان دخالت و در اموال آنان تصرف کند؛ فقط ولایت یا وکالت مشروع می‌تواند این امور را مجاز نماید.

### ۳/۳. ظرفیت نقد پذیری

با تامل و نگرشی کلی و جامع به آیات مبارکه قرآن مجید و بویژه به آیه شریفه قرآن کریم در سوره مبارکه زمر « فبشّر عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه اولئک الذین هدّهم الله و اولئک هم اولوالالباب » (آیات ۱۷ و ۱۸) که مشخصه بندگان خدا را بیان می‌دارد؛ نتیجه میگیریم که یکی از وقایع و حقایق غیر قابل انکار، در راستای عبودیت خردمندانۀ خداوند که منجر به هدایت الهی، اصلاح نفس و سعادت جاودانگی می‌گردد، داشتن روحیه انعطاف مناسب و قبول انتقاد منطقی و سازنده دیگران می‌باشد.<sup>۲۰</sup> لذا چگونگی تحول جاری و روند پیشرفت هماهنگ و دگرگونی در همه عرصه‌ها در نقطه نظر سران کلان و عموم شهروندان جامعه اسلامی، رابطه تنگاتنگی را ما بین تعامل سازنده رهبر و کابینه و هیئت وزیران مورد حمایت ایشان را شکل می‌دهد. این مهم و مکانیسم با ارزش، موجب بالندگی حیاتی و اساسی امور اداره کشور و تنظیم مناسبات و پایداری سران حکومت و دست اندر کاران می‌گردد. و در این راستا مدیران و مسوولان احساس همدلی و نشاط همه جانبه در جهت تامین نیازهای ضروری از قبیل امور دینی و اجتماعی شهروندان می‌نمایند و در این خصوص بازتاب این ویژگی روحی و اخلاقی قابل توجه و منحصر بفرد، در خصایص رهبر اسلامی در توجه فزاینده به کارکردهای مثبت کارکنان بدنه دولت و افزایش حسن ظن در اجرای سیاستهای مربوطه و نگرش سازنده اقشار

۲۰. در همین زمینه و به همین مضمون حدیثی از ابی جعفر العواد (علیه السلام) — و طبق نقلی از امام صادق (علیه السلام) نیز در وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۵ آمده است — نقل گردیده که: «الانسان یحتاج الی ثلاث خصال؛ توفیق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ینصحه» (فیض کاشانی، وافی: ص ۳۲۸ ج ۲۶) هر فردی و انسانی احتیاج و نیاز به سه ویژگی و خصیصه دارد: توفیق و یاری از طرف خداوند متعال، واعظ و نصیحت کننده ای از درون و در نهایت قبول نصیحت و خیر خواهی کسی که او را متذکر می‌شود و او را در بوته نقد منصفانه و هوشمندانه برای اصلاح و آراستگی امور قرار می‌دهد.

مختلف مردم در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی و برخورداری از روابط تعیین کننده در سطح کلان و بین‌المللی در سند چشم اندازهای اجرایی، نقش چشمگیری را بر عهده دارد. محوریت و جایگاه این شاخصه و رکن محوری، نقش غیر قابل انکاری در جلب محبوبیت و مقبولیت عمومی را در پی خواهد داشت و موجب افزایش اعتماد عمومی یکنواخت می‌گردد. و تکیه گاه بزرگی برای امام جامعه در نیل به مقصود، محسوب می‌شود.

پذیرش نقد و برخورداری از این ظرفیت شگرف و استعداد خیز، در شکوفایی و بالندگی برنامه ها و راهبردهای پیش‌رو و تعیین خط مشی ها بسیار اهمیت اساسی داشته و در شفاف سازی فوق العاده برنامه ها و نیز شناسایی نظام مافیایی سلطه و سرکوب جهانی، از حساسیت بالایی برخوردار می‌باشد.

### ۳/۴. برخورد همسان و یکنواخت با شهروندان

با وجود اینکه انسان بنا بر مد نظر قرار دادن یکی از دیدگاهها<sup>۲۱</sup>، از جهت روحی مدنی بالطبع<sup>۲۲</sup> است و نیاز به گرفتن انس و الفت و بهره گیری از این کارکرد خیره کننده، از کانال روابط و تعاملات سازنده متحول کننده و نشاط آور دارد؛ اما در عین حال، بهترین راهکار و راهبرد قابل تحقق و پیش بینی مورد نظر در جهت پیشبرد و اعتلای اهداف

---

<sup>۲۱</sup>. مبنای علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، که انسان یا مدنی بالطبع است یا مدنی بالضرورة. و لازم به ذکر است که هر کدام از این مبانی، طرفداران و استدلال‌های زیادی را در بر می‌گیرد و از آن به نوبه جداگانه از نظریه مختار یاد می‌شود. در واقع هر کدام از این نظریات، مخالفان و موافقانی دارد که در راه اثبات یا رد آن سعی و تلاش فراوانی را بکار گرفته‌اند. و تالیفاتی در این زمینه به چاپ رسیده است.

<sup>۲۲</sup>. یعنی لازمه کامیابی، سعادت و کمال بشری در سایه روابط و رو در رو شدن و مواجهه با معضلات و پیچیدگی‌هایی است که انسان ناگزیر با آن در هر عصری بویژه زمان حاضر، برخورد می‌نماید و ناگزیر از این امر است. این مهم اگر خوب به سر انجام برسد، موجب شکفته شدن استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه انسان و غلبه بر مشکلات می‌گردد. علاوه بر اینکه از آن طرف، اسلام دین رهبانیت، انزوا و گوشه‌گیری نیست و آدمی باید در صحنه اجتماع حضور فعالی داشته باشد. و نقشی مفید از خود بجای بگذارد.

عالیه اسلام<sup>۲۳</sup> - از قبیل فراگیری توحید و یکتاپرستی، گسترش عدالت، مبارزه با استعمار و غارتگری چپاولگران و... و نیل به معارف و فرامین ناب این مکتب جهان شمول، کارگشا و موثرترین راهکار و راهبرد عینی و محسوس - در عین حال با کمترین درصد خطا و میزان ریسک و خطر پذیری پایین - در احقاق حقوق و گسترش قسط و عدل و دادگری فراگیر، در گرو همنوایی مطلوب، جذّاب و راهگشای رهبر در قالب چارچوبی منسجم و ضابطه مند با شهروندان از کانال ملاقاتهای مثبت ارزیابی می‌گردد. در مسیر و جریان ارتباط و تعاملاتی که سکّاندار، ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی آرمانی مقدّس با شهروندان و عوام دارد، گونه معاشرت و تنظیم مناسبات همسو و هماهنگ و دیدارهای فی مابین از ارزشی اساسی برخوردار است؛ تا مشکلات موجود را به مسوولان منتقل نماید، عقده ها گشوده شود، هیجانات تخلیه گردد، رازهای سر به مهر سازنده رها شود، گرهی از موضوعات پیچیده، مسایل و بحرانهای لاینحل گشوده شود.

لذا در این راستا، باید این نقل و انتقال تجربه ها، افکار، دغدغه ها و دیدگاهها در ضوابط تعریف شده (یعنی در برخوردها و ارتباطات، می بایست شان، جایگاه، منزلت و موقعیت افراد و گروهها لحاظ گردد و تناسب ها نادیده گرفته نشود، زیرا این نکته از جهت طرح موضوع های اساسی و کاربردی مهم قلمداد می‌گردد).<sup>۲۴</sup> بدون مانع، اکراه و پرده انجام گردد - چنانکه علی (علیه السلام) این امر خطیر را در نهج البلاغه بیان می‌فرمایند -؛ در غیر اینصورت، حسنّ نا خوشایند و بدبینی عمیق و لایه داری رو به افزایش می گذارد و جوّ سوء تفاهم، بدبینی و عدم قبول مسوولیهای واگذار شده رایج گردیده و استحکام

۲۳. کلمه الله هی العلیاء (توبه/۴۰).

۲۴. چنانکه یکی از اقتضائات و لوازم این گونه از رویارویی، نحوه و گونه سخن گفتن است که، رسول مکرم اسلام (ص) لله علیه و آله و سلم می فرمایند: «نحن معاشر الانبیاء نکلّم الناس علی قدر عقولهم» ما جمیع پیامبران با مردم بر اساس درک، شعور و آگاهی شان سخن می گوئیم. و ایشان را طرف خطاب خویش قرار می دهیم. (محمد صالح بن احمد، مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۲، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰)

امور از بین می رود. و نظام پلیسی سرکوبگر، اختناق خیز، غیر منطقی و خشن شایع می گردد.

### ۳/۵. تقسیم عادلانه ثروت، خدمات و امکانات اجتماعی

یکی از موازین، معیارها و شاخصه های توسعه پایدار و منسجم در جوامعی که مساوات و قسط در جریان تخصیص بودجه های مالی و مادی بطور یکسان وجود دارد؛ برخورداری مردم از امکانات و لوازم مربوطه کاربردی در این راستاست. لذا یکی از بازتابهای اساسی و کلیدی، منش، رفتار و سلوک عادلانه رهبر اسلامی در صحنه اجتماع، می تواند در بهبود و ترمیم اوضاع معیشتی شهروندان مشاهده گردد؛ که عموماً یکی از دغدغه های محوری و کلان ولی فقیه در جامعه دینی و مذهبی محسوب می گردد. با توجه به اینکه در تفکر دینی و سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و همچنین عامه مردم، کسب و تولید ثروت، تنظیم مناسب درآمدها و هزینه ها و تعادل در مصرف و استفاده بهینه این امر، از جایگاه بسیار والا و مهمی برخوردار است؛ لذاست که این سوال مطرح می گردد: با توجه به اینکه مکتب اسلام بر خلاف مارکسیسم، مالکیت خصوصی را محترم می شمارد و از آن حمایت می نماید؛ آیا پشتیبان هر گونه ثروت انباشتن و ازدیاد آن است حتی به قیمت اینکه جامعه ای طبقاتی و بدون معیار و شاخص ایجاد گردد و فاصله بین فقیر و غنی زیاد گردد تا اینکه شکافی در سطوح و لایه های اجتماع ایجاد شود یا اینکه اسلام خواهان جامعه ای که به نحو ناموزون، غیر متعارف و نا متعادل رشد کرده باشد، نمی باشد؟ و طالب ترقی مناسب و سازنده در این موضوع است.

در منظومه معارف اسلامی - الهی و علی الخصوص تفکر قرآنی، زر اندوزی و انباشت درآمدها وقتی که در محل مخصوص خودش هزینه نگردد؛ بعنوان یک ضد ارزش، مورد سرزنش و نکوهش قرار گرفته است. «الذین یکنزون الذهب و الفضه و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (سوره مبارکه توبه، آیه ۳۴). کسانی که طلا و نقره را ذخیره و جمع

آوری می نمایند؛ در حالیکه آنرا در راه خداوند انفاق نمی کنند به ایشان مژده و وعده عذاب و مواخذه دردناک و سوزان را بده. لذا جمع آوری اگر به همراه انفاق و بخشش در راه خداوند و کارهای خدا پسندانه باشد مانعی نداشته و مورد نکوهش، سرزنش و توبیخ خداوند متعال قرار نخواهد گرفت. پس اجرای سیاستهای اقتصادی و مالی دولت اسلامی، باید در جهت تنظیم و تشویق مکانیسم‌هایی صورت بگیرد که اختصاص عادلانه خدمات، امکانات و حقوق شهروندی را در پی خواهد داشت و در این راستا کارشناسان و دست اندرکاران می بایست شاخصه‌های مورد نظر و ضروری را با دقت مورد بازبینی، تجدید نظر و بازبینی قرار دهند تا به نتیجه مورد نظر و مطلوب دست یابند. اما در این میان تخصیص و هزینه کرد مناسب و عادلانه درآمدها از کانال‌هایی مانند رسیدگی به وضعیت فقراء با وجوه شرعی مانند خمس، زکات، صدقه، اموال موقوفات، کارهای عام المنفعه شهروندان و مالیاتهایی که دولت اسلامی در جهت ترمیم و بهبود اوضاع و احوال جاری وضع می نماید تاثیر شگرف، خارق العاده و سازنده‌ای را در این بین دارا می باشد و کارگشا و مثمر ثمر خواهد بود.

### ۳/۶. رعایت امانت

با اینکه لحاظ و رعایت این اصل و قاعده اخلاقی و اجتماعی که در انسجام و ساختار بخشی به مکانیسم‌های مربوط به تدقیق برنامه‌های کلان رفاهی-اداری موثر می باشد و دارای حسن عقلی و مورد قبول همه عقلاء عالم است، اما با نظر داشت و توجه به اینکه در فرهنگ قرآنی و کلام وحی- در سوره مبارکه مومنون، آیه شریفه هشت آمده است «و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون» یکی از علت‌های رستگاری و فلاح اهل ایمان، رعایت امانت و عهد ایشان برشمرده شده است. لذا در این راستا یکی از القاب، اوصاف و عناوین رسول گرامی اسلام (سار الله علیه و آله و سلم)، «امین» [بسیار امانت دار و قابل اطمینان] بود که حاکی از حساسیت این ویژگی اخلاقی نزد آن حضرت بود. و آن بزرگوار به این

امر اهتمام خاص و جدی مبذول می‌داشتند. و جذابیّت فوق العاده این مهم که در نزد اعراب جاهلیّت بیابان گرد و غیر متملّن مشرک به شمار می‌آمد-.، احادیث ائمه (علیهم السلام) و گفتمان اسلامی، امانت داری و کف النفس از دست اندازی به حقوق دیگران و خیانت نورزیدن-البته در تمام شوونات مربوطه-، از جایگاه ارزشی و بسیار والایی برخوردار است و نشانه اهل ایمان محسوب می‌گردد؛ تا اندازه‌ای که خیانت در امانت، پدیده‌ای شنیع و بسیار مورد مذمت قرار گرفته و از نشانه‌های منافقین معرفی گردیده است. لذا با این لحاظ، یکی از عناصر و مولفه‌هایی که توان پاسخگویی رهبر جامعه دینی را در قبال اختیارات، وظایف و مسوولیت‌های ارتقاء داده و در حفظ منش، بزرگواری، اقتدار و کرامت نفسش تاثیر بسزا و هماهنگی دارد، رعایت امانت داری و صداقت در انجام وظایف محوله در کلیّه موضوعات، زمینه‌ها و عرصه‌ها در راستای تعیین راهبرد مطمئن و اساسی و جهت نیل به ساختارهای اصیل اسلامی و مطلوب می‌باشد؛ بسیار مورد نظر است. بویژه در حیطه‌هایی مانند حکومت و افزایش توان قدرت سیاسی و اعتبار فزاینده آن، حفظ و حراست از بیت المال مسلمین، پاسداشت از ارزشها و ایده‌های مذهبی و مکتبی، آرمانها و هنجارهای پسندیده و رایج جامعه اسلامی، عدم تجاوز و تعدی به اموال مردم، نگهداری و مصونیت تمام عیار از حریم خصوصی شهروندان-البته تا حدی که منجر به اختلال نظام و هرج و مرج و سوء استفاده اقشار مختلف مردم نگردد و مورد قبول و تایید عرف صحیح باشد-، راز داری و حفظ اسرار طبقه بندی شده در حوزه‌های تخصصی از قبیل مسایل امنیتی، نظامی، استراتژی و غیره، از اهمیّت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. با تامل در این جریان، می‌توان دریافت که ارزش این خصیصه، تا اندازه‌ای است که بدون نظر داشت و توجه این عامل، کنترل و مدیریت از مرزهای اسلامی و جغرافیایی مربوطه، امکان پذیر نمی‌باشد. و در این صورت، صدمات



غمبار، مصیبت جانگداز، تراژدی<sup>۲۵</sup> موحش، غم جانکاه، لطمات هولناک و جبران ناپذیر بی سابقه‌ای را بر کیان ملت و مکتبی وارد خواهد ساخت. و ناامنی خرد کننده و گسترده‌ای را به دنبال خواهد آورد.

### ۳/۶/۱. امانت در بیت المال

برخورد و تقابل دین اسلام با این موضوع و مساله کلان و مهم اعتقادی، اجتماعی و سیاسی - اقتصادی، نشان دهنده نگرش عظیم حیات بخشی است که از لحاظ تحت الشعاع قرار گرفتن بسیاری از عرصه های زندگی نسبت به این قضیه است که، مورد عنایت تمام انبیاء، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان بزرگوار ما (علیهم السلام) و بزرگان دین - از باب اینکه الدنیا مزرعه الاخره - نیز می باشد. تا حد و میزانی که دقت بی نهایت در نگهداری و مصرف بیت المال، در سخنان، روش و سنت جاودانه و نیکوی امیرالمومنین علی (علیه السلام) بدست می آید و قابل تاسی است<sup>۲۶</sup>. لذا از آنجایی که جایگاه، موقعیت و منزلت کلیدی ذخایر ملی مالی و صندوق ذخیره ارزی و درآمدهای ناخالص و خالص دولت اسلامی، در بسیاری از عرصه‌ها نقشی تعیین کننده را به خویش اختصاص می دهد و بویژه در مشکلات و بحران هایی مانند جنگ، تحریم ها، آفات طبیعی از قبیل سیل و زلزله و همچنین در سیاست گذاری های خرد و کلان، یکی از محورهای عمده و غیر قابل اجتناب پیشرفت می باشد؛ لذا یکی از ستون های اصلی و اساسی ضروری در توازن و سامان بخشی امور اقتصادی و برآورد مناسب در جهت چینش و تعیین موازین و شاخصه های عدالت مالی در اسلام، نحوه گزینش و برخورد حاکم اسلامی و نوع مکانیسم برداشت

<sup>۲۵</sup>. رخدادهای، پیامدها و حوادثی که احساسات هر کسی را تحریک و جریحه دار نموده و دل انسان را غمگین و محزون می نماید. و وادار به انعکاس و عکس العمل در خور و شایسته می نماید.

<sup>۲۶</sup>. جریان تاریخی درخواست عقیل - برادر حضرت - مبنی بر مساعده و کمک اضافه حضرت از بیت المال به ایشان به جهت عیالوار و نیاز فوق العاده و امتناع آن بزرگوار از این پیشنهاد با نزدیک کردن آهن گداخته به دست برادرش، گویای این واقعیت است که حضرت تا چه میزانی در گرد آوری و نگهداری از وجوه بیت المال و مصرف آن سخت گیر و محتاط بودند.

ایشان از خزانه بیت المال مسلمانان می باشد در این خصوص، چگونگی تخصیص بودجه ها و مصرف هزینه کرد آنها، زمینه بسیار مناسبی را در جهت ریشه کن نمودن فقر و گسترش توسعه عدالت محور، ایفاء می نماید لذا منابع درآمدها و خود این ذخایر مادی، در نوع خود، امانت بسیار گرانی تحت نظارت و کنترل ولی فقیه بوده و اهمیّت این موضوع را دو صد چندان می کند. لذا رعایت امانت در این موضوع با ساختار و شاکله ای که بیان گردید، رابطه مستقیمی در نحوه مدیریّت شگرف، مثبت و سازنده تحولات و چالش ها داشته و کانال های اجرایی را سر و سامان می دهد. در تعیین چگونگی ردیف بودجه های عمرانی و کلان موثر بوده و موجب افزایش روز افزون و خیره کننده کارایی، نشاط، بالندگی و اقتدار هر چه بیشتر نظام اسلامی شده و در توانمندی بالقوه و بالفعل قوای سه گانه و دستگاههای اجرایی، نظارتی، مراقبتی، نظامی و امنیتی و غیره، تاثیری غیر قابل انکار دارد.

### ۳/۷. حفظ شوون شهروندان

با توجه به مرام و سیر و سلوک و نحوه مواجهه معصومین و بویژه امامان بزرگوارمان (علیهم السلام) با افراد مختلف و در بسترهای زمانی متفاوت و گاه بسیار حسّاس و نفس گیر تاریخی، نتیجه می دهد که این حضرات، با در نظر گرفتن شان و جایگاه افراد از ایشان دلجویی و ملامت به عمل می آوردند و احترام می نمودند و به تناسب اوضاع، گاه و بی گاه طرد می نمودند و مورد بی مهری خویش قرار می دادند، تا اندازه ای که حتی از بین شاگردان خویش، عده ای معدود و انگشت شمار نخبه را مورد بذل عنایت خاص و ویژه خود قرار می دادند. به عنوان شاهد تاریخی، این موضوع بخوبی در جریان صلّه و پاداش دادن به شعراء، ادباء و افراد ذی نفوذ مطمئن در حوادث خاص از سوی ائمه، قابل مشاهده می باشد. هم چنانکه رسول مکرم اسلام (ص) نیز در تقسیم بعضی غنائم جنگی، شان افراد و قبیله ها را- علیرغم اعتراض و برخورد بعضی از صحابه عجول، نادان و کوتاه بین

خود- مدّ نظر و توجه خویش قرار می‌دادند و از این نکته غفلت نمی‌ورزیدند. و همچنین در جریان و موضوع ملاقاتها و تشریفاتی که بعضی افراد خدمت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده‌اند- مانند تشریف عالمان و بزرگوارانی از قبیل علامه بحرالعلوم، علامه حلّی، مقدس اردبیلی، علی بن مهزیار اهوازی و غیره- و از محضر ایشان کسب فیض نموده‌اند، این مساله توجیه داشته و قابل درک و هضم می‌باشد. لذا یکی از مصادیق و نمودهای بارز و برجسته عدالت و دادگری رهبری که شاخصه اساسی در روند سیر اعتماد و شفاف سازی هر چه تمام‌تر و تالیف قلوب کاملتر محسوب می‌گردد و یکی از ارکان و ستون‌های مهم تبلیغ دین و گرایش مردم به معنویت اصیل، قلمداد می‌گردد و مورد توجه روسای اغلب ممالک در جهت جذب هر چه بیشتر منافع خویش می‌باشد، در حراست و حفظ این جریان بر اساس ضوابط و قواعد عرفی، شرعی، قانونی و عقلی است، که رابطه تنگاتنگ و مستقیمی با امنیّت روانی گسترده شهروندان در حوزه‌های متنوع یک، عرصه، محیط و اجتماع دارد؛ تا میزانی که شواهد زیادی در تقویت همه جانبه این امر در صحنه اجتماع قابل مشاهده و پیگیری می‌باشد. و یکی از دلایل آسودگی خاطر و رضایتمندی عمومی مردم از نحوه عملکرد دولت مردان، در سایه تامین شوون معقول اتباع یک مملکت لحاظ می‌گردد، که بازتاب و انعکاسی از عدالت و قسط حاکم و فرمانروای آن سرزمین می‌باشد. در این بین آنچه که عدالت ولی فقیه را تجسم عینی بیشتری می‌بخشد، و در بستر و زمینه سازی برای ایجاد یک صحنه بزرگ رقابت سازنده کارسازی می‌کند و در کارکرد راهگشای این امر، فوق العاده مهم به شمار می‌آید؛ حفظ و صیانت از حریم و مالکیت خصوصی افراد می‌باشد. نگاهبانی و پاسداشت از این حریم و حدّ و مرز، عرصه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد که می‌توان به مواردی از قبیل موضوعات اقتصادی، فرهنگی، تفریحی، پزشکی و خانوادگی اشاره نمود. در نهایت یکی از بزرگترین نتایج و ثمرات دادگری و یکی از نقاط برجسته در این راستا که به

عنوان ویژگی بارز عدالت رهبری و رئیس دولت اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و لازمه و بازتاب آن، آرامش و امنیت در تمام سطوح و ابعاد جامعه به حساب می‌آید؛ حفظ و رعایت شوون شهروندان و بویژه پاسداری از حریم خصوصی افراد، نهادها و گروههایی که حامی ارزشها و هنجارهای مورد قبول جامعه دینی هستند، می‌باشد.

### **۳/۸. رعایت و تامین منافع ملی و همزمان با آن، اهمیت بخشیدن به مصالح کلان و اهمّ اسلام و جامعه مسلمین**

یکی از بحث‌های خیلی مهم و چالش برانگیز در راستای صیانت از خوشبختی و سعادت هر جامعه‌ای - اعم از مسلمان یا غیر مسلمان - طرح لحاظ و نظر داشت منافع ملی و مصالح دینی یا منطقه‌ای است که کدامیک، اولویت انتخاب و گزینش را به خودش اختصاص می‌دهد. که این موضوع به نوبه خود در رشته‌های مهم دانشگاهی از شاخه‌های علوم انسانی مانند علوم سیاسی، مدیریت و ارتباطات مورد طرح، بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد. اما در عین حال، در جوامع اسلامی که تحت تاثیر آموزه‌های فراگیر و تعالیم سازنده اسلام ناب می‌باشد، گونه و نحوه رابطه، تقابل و رویارویی منافع ملی و مصالح امت اسلامی از اهمیت اساسی و استراتژیک در موضوعات راهبردی مهمی از قبیل اقتصادی، سیاسی - بویژه سیاست خارجی و حوزه روابط بین الملل - نظامی، فرهنگی و غیره، برخوردار است. این مساله چالشی و دامنه دار، در مدیریت کلان جامعه دینی و ارزشی از اولویتهای محوری و کلیدی به شمار می‌آید. به نحوی که در نظارت‌ها و برخوردهای حیثیتی، حساسیت فوق العاده‌ای را می‌طلبد. و در تعیین راهبرد و خط مشی کارگشا و سازنده صحیح و منطقی، هزینه‌های زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. و نقش بی بدیلی را شامل می‌شود. یکی از صحنه‌هایی که عدالت حاکم برجستگی خاصی را بروز می‌دهد و نشان از کاردانی زعیم و حکمران جامعه دارد؛ در تعیین، انتخاب و گزینش بین دو رکن و فاکتور حیات بخش منافع ملی و مصالح امت اسلامی است. براستی اولویتهای کاربردی مهم، با کدامین امر است، منافع یا مصالح؟ ولی در حقیقت

لحاظ مصالح بدون در نظر گرفتن منافع ملی امکان پذیر نمی باشد بلکه محال به نظر می‌رسد. زیرا در ابتداء سر و سامان بخشیدن به اوضاع داخلی یک ملت مسلمان ضرورتاً و از جهات ملاکهای عقلی تجویز و توصیه می‌گردد تا اندازه ای که ملت مذکور تقویت گردیده و روی پای خویش بایستد تا بتواند به امور کلانتر بیانیدشد و درباره آن تصمیم گیری نماید. در واقع تامین منافع، زمینه ساز و سکوی پرشی است که افق های بالاتری را مجسم می‌کند و در راه دستیابی به مصالح امت اسلامی آنهم در سایه منافع ملی چاره جویی می‌نماید. آیا معقول و منطقی به نظر می‌رسد، کسی که در درون خانه خود انبوهی از مشکلات و گرفتاری ها را داشته و هنوز به اوضاع و شرایط داخلی منزل خود سر و سامانی نبخشیده است و منزلش کانون درگیریها و تنش های خانه مان بر انداز است؛ که تحمل چنین شرایطی برای هر فردی کمر شکن و ناممکن به نظر می‌رسد، آیا چنین فردی می‌تواند به حال همسایگان و وضعیت محل و منطقه خود بیانیدشد و در باره مصائب آنها دور اندیشی، چاره جویی و سیاست گذاری کند و درآمدهای خود را در آن راه مصرف و هزینه کند یا خیر. و در این کار و پروژه موفق می‌باشد. مسلماً به هیچ وجه. اصولاً هر رهبری که تک بعدی و از یک زاویه به این مساله نظر داشته باشد و تمرکز نماید، جامعه تحت زعامت آن، با ضعف در مبانی تکنولوژی پیش رونده همه جانبه و زبونی در اسلوب جذب نیروهای کارآمد و ورزیده برخورد می‌کند و ساختارهای اقتصادی و سیاسی به سامان لازمه نخواهد رسید و به همین لحاظ، مکانیسم‌های پیشرفت و تحول سازنده به درستی تدوین نخواهد گردید. و به خاطر این کمبود فاحش و صریح، سند چشم انداز مطمئنی ترسیم نخواهد شد. و در مواجهه، برخورد و کنترل مدیریت بحرانهای ویرانگر- و بعضاً فوق العاده نفس گیر - حوادث و رویدادهای آینده، ناکام و نافرجام خواهند ماند. اما درایت و هوشمندی مقام معظم رهبری در سگاننداری ایران اسلامی گویای این واقعیت است، که ایشان با در نظر گرفتن توامان منافع ملی و مصالح

جهان اسلام، انشاءالله پرچم عزت و سرافرازی شیعه و افتخار مسلمانان را که نشانه عدالت بی نظیر ایشان در پاسداری از اهداف انقلاب جهانی و بی نظیر جمهوری اسلامی - که به قیادت حضرت امام (ره) صورت پذیرفت -، بر فراز قله مرتفع جهان به احتزاز در خواهند آورد.

### **نتیجه بحث**

با توجه به محور پژوهش حاضر، که شاخصه های عدالت حاکم است، و از آنسو منزلت و جایگاه ویژه دادگری و قسط که در اصول، قواعد و مبانی فقهی، کلامی، فلسفی، تفسیری و متون روایی، به چشم می خورد و حائز اهمیت دو چندان است، بدست می آید که عرصه حضور این ویژگی ها بیشتر مورد تاکید و اهتمام فقه سیاسی تشیع بوده است و از اجر و قرب ویژه و متمایزی برخوردار است. اما در متون و منابع فقهی اولاد و در صحنه عملی فقه اهل سنت کمتر نمود بارز و آشکاری دارد. با توجه به این نکته، در فقه سیاسی شیعه، شاخصه های عدالت زعیم و رهبر جامعه اسلامی، بستر و گستره وسیعی را در بر گرفته است و محدود و محصور به عزل و نصب امامت جمعه و جماعت نمی باشد؛ بلکه حوزه ها و عرصه های سیاسی و اجتماعی را از دادگری در محاکم قضایی گرفته تا لحاظ امانت در بیت المال، حفظ شوون شهروندان و غیره را نیز در بر می گیرد و تحت پوشش قرار می دهد..

## کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، خصال، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴.
- ۳- افشاری راد مینو و آقا بخشی علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۹.
- ۴- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۵.
- ۵- البعلبکی، روحی، المورد، ترجمه: محمد مقدّس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- ۶- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- ۷- رضوانی، علی اصغر، نقدی بر نظریه عدالت و مرجعت دینی صحابه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.
- ۸- رفاعی، عبدالجبار، موسوعه السياسه، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۱.
- ۹- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
- ۱۰- شیخ صدوق، من لا یحضر الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، سوم، ۱۴۱۳.
- ۱۱- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳.
- ۱۲- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی، قم، مدینه العلم، بی تا.
- ۱۳- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳.
- ۱۴- عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۲.
- ۱۵- علیا نسب، سید ضیاء الدین، صحابه در قرآن، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، دوم، ۱۳۸۵.

- ۱۶- علیخانی، علی اکبر و همکاران، در آمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
- ۱۷- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۸- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، تهران، نوید اسلام، دوم، ۱۳۸۶.
- ۱۹- قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ششم، ۱۳۷۱.
- ۲۰- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح اصول کافی، ج ۲، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران، مسجد حضرت ولی عصر، ۱۳۶۳.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- ۲۳- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
- ۲۴- مصطفی ابراهیم و الزیات حسن، المعجم الوسیط، ج ۱-۲، بی جا، موسسه الصادق، پنجم، ۱۴۲۶.



